

موضوع بیست و پنجم:

آفت زدایی از کسب درآمد (کسب حرام و پیامدهای شوم آن)



کسب مال حرام، انباشتن، خوردن و ساختن از حرام، پیامدهای ناگوار و خطرناکی در ابعاد مختلف زندگی انسان در پی خواهد داشت که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱ - عمر بیهوده

انسانی که بر سر دو راهی حلال و حرام، جاده حرام را انتخاب می کند، خداوند او را به گونه ای سرگرم مادیات و هوی و هوس هایش می نماید که از عمرش نتواند به خوبی و در جهت رشد و کمال بهره ای ببرد.

روز و شبهای چنین انسانی می گذرد، اما به واسطه افتادن در دام کسب حرام، از حرکت و رشد و سعادت محروم مانده و تنها به تنوعها و رنگ عوض کردنها دل خوش می دارد، تا این که روزی مرغ بیچاره، روحش، از قفس آتشین بدنش پر می کشد و این چیزی جز بی برکتی عمر نخواهد بود.

الإمام الصادق عليه السلام: من كسب مالاً من غير حلّ سلّط الله عليه البناء والماء
والطين^۱

هر کس مالی را از راه غیر حلال به دست آورد، خداوند ساختمان سازی و آب و گل را بر او مسلط می کند؛ کنایه از این که چنین شخصی پیوسته به دنبال تعمیر، تعویض و یا تکمیل وسایل زندگی مادی اش است و بدین گونه عمرش بدون آسودگی و آسایش به پایان می رسد.

۲ - سرمایه بیهوده

ممکن است حرام خوار، مال و ثروت را در چنگ بگیرد و از آن بهره برداری کند، اما هرگز کفایتش نمی کند و دائم در تلاش و تکاپو برای پُر کردن خلأهای جدید بر می آید. انسانی که از حرام روزی می خورد، هیچ گاه سیری ندارد و دائم فریاد (هل من مزیدش) بلند است. حال و روز این گروه برخلاف عده ای است که به برکت کسب حلال، استمرار و دوام نعمت‌های خدایی را حس کرده اند و با چشمان خود دیده و باور کرده اند که حتی اندکی مال حلال، گره‌های بزرگ را باز می کند و آرامش و آسایش را برای اهلش، به هدیه می آورد.

نمی دانم تا به حال پای درد دل انسان‌هایی که نسبت به حلال و حرام بی تفاوتند نشسته ای یا نه؟ غم و حسرت سرتاسر گفته‌ها و حتی نگاهشان را گرفته است، آن‌ها به ظاهر مال و دارایی دارند، ولی می نالند و می سوزند! اما برخی دیگر را می بینی که با سختی لقمه ای نان حلال، برای خانواده اش به ارمغان می آورد و با همان درآمد اندک چراغ آسایش خانه را روشن نگاه می دارد. آیا این تفاوت‌ها را با چیزی به غیر از

۱. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۰، ح ۸.

«برکت» و «بی برکتی» می توان توجیه کرد؟

الإمام علی عليه السلام: ان الحرام لا ینمی و ان نمی لم یبارک فیه^۱

مال حرام رشد نمی کند و اگر رشدی هم داشته باشد، در آن برکتی نخواهد بود».

محمد بن أحمد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: دخل عليه قوم من أهل خراسان، فقال ابتداء من غير مسألة: من جمع مالاً من مهاوش أذهب الله في نهاير. فقالوا: جعلنا فداك! لا نفهم هذا الكلام . فقال:

محمد بن احمد از امام صادق عليه السلام نقل می کند که گروهی از اهل خراسان خدمت آن جناب رسیدند. قبل از اینکه سؤال کنند فرمود: من جمع مالاً من مهاوش أذهب الله في نهاير.

خراسانیان عرض کردند: آقا ما نفهمیدیم چه فرمودید (چون به زبان عربی آشنا نبودند) به زبان ایرانی فرمود: از باد آید بدم بشود «باد آورده را باد می برد»^۲ آری اگر انسانی به حرام خواری عادت کرد و با درآمدهای سیاه، برجهایی سفید و سر به فلک کشیده احداث کرد، باز هم سفیدی و برکت زندگی را نخواهد دید و طعم واقعی آرامش را نخواهد چشید.

۳- نسل مسموم

پیامدهای کسب حرام در وجود شخصی و زندگی فردی حرام خوار خلاصه نمی شود، که او آب و دانه آلوده و فاسد به زن و فرزندش نیز داده است و لذا در نسل او نیز اثرات شوم آن بر جای خواهد ماند.

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۷.

۲. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۸۴.

الإمام الصادق عليه السلام: كسب الحرام يبين في الذرية^۱

كسب حرام در نسل انسان خودش را نشان داده و ظاهر می شود. پدری که حاضر نمی شود خاری به پای کودکش بنشیند، پدری که او را از سرمای زمستان حفظ می کند و نسبت به وزن و قد کودکش حساسیت نشان می دهد، چگونه دلش می آید او را بر سر سفره مسموم و آتشین مهمان کند و مقدمات انحراف او را فراهم آورد؟!

۴ - عدم استجاب دعا

النبي صلى الله عليه وآله: من أحب أن يستجاب دعاؤه فليطيب مطعمه وكسبه

هر کس دوست دارد که دعایش مستجاب شود خوراک و کسبش را پاکیزه کند^۲
وقال صلى الله عليه وآله: لمن قال له: أحب أن يستجاب دعائي. قال له: طهر مأكلك ولا تدخل بطنك الحرام.^۳

به کسی که عرضه داشت: دوست دارم که دعایم مستجاب شود، فرمود: خوراکت را پاکیزه کن و در شکمت حرام داخل مکن.

۵ - بطلان عبادت

مصرف غیر حلال در برخی موارد سبب بطلان عبادت می شود.

به عنوان مثال به مسائل زیر توجه کنید:

۱. همان، ح ۴.

۲. الحكم الزاهرة، ص ۵۰۴.

۳. عده الداعي، ص ۱۳۹.

- وضو با آب غصبی و یا آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی باشد یا نه، حرام و باطل است.
 - اگر بخواهد پول حرام یا پولی که خمسش را نداده به حمامی بدهد غسل او باطل است.
 - اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده اند لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است.
 - اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش باطل است.
- النبي ﷺ: من اكتسب مالاً حراماً لم يقبل الله منه صدقة ولا عتقاً ولا حجاً ولا عتقاً، وكتب الله عز وجل بعدد أجر ذلك أوزاراً، ومن قدر عليها وتركها - مخافة الله - كان في محبة الله ورحمته، ويؤمر به إلى الجنة.^۱
- هر کس مالی حرام کسب کند، خدا نه صدقه او را می پذیرد و نه بنده آزاد کردن و نه حج گذاردن و نه عمره انجام دادن او را؛ و به اندازه پاداش این اعمال برای او گناهی سنگین می نویسد؛ و آنچه از وی پس از مرگش بر جای بماند، توشه راه جهنم او خواهد بود. هر شخصی که بر حرام دست یابد و از ترس خدا آن را رها کند، خداوند او را مورد دوستی و رحمت قرار می دهد و می فرماید تا او را به بهشت ببرند.

۶- مردگی عبادت

تا به حال دیده ای انسان روی خاک نرم یا شن و ماسه، خانه بسازد؟! انسان عاقل

۱. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۳.

هیچ گاه دست به چنین کاری نمی زند؛ زیرا این ساختمان نه تنها به پایان نخواهد رسید و سودی در بر نخواهد داشت، بلکه بودجه و مصالح آن به هدر خواهد رفت.

النبي ﷺ: العبادۃ مع أكل الحرام كالبناء على الرمل^۱

پیامبر خاتم ﷺ عبادت شخص حرام خوار را به چنین عمارتی تشبیه کرده و می فرماید پرستش همراه با تعذیه حرام، همچون بنایی کردن ساختمان روی شن می باشد.

به همین خاطر است که روایات، پرهیز از لقمه ای حرام را بهتر از انجام دادن صدها حج و نیز برتر از هزاران رکعت نماز مستحبی دانسته است:

النبي ﷺ: ترك دائق حرام أحبّ إلى الله تعالى من مائة حجة من مال

حلال^۲

النبي ﷺ: ترك لقمۃ حرام أحبّ إلى الله من صلاة ألفی ركعة تطوعاً^۳

آری، آن‌ها که ماهیت واقعی خود را در زیر پرده ایمان و تقوی و حج و نماز و تلاوت قرآن پنهان می کنند، در واقع به اعمال حرام و کسب‌های فاسدی هم چون کم کاری، گران فروشی، رباخواری، دریافت و پرداخت رشوه، احتکار و... می پردازند، باید بدانند تا دست از انحرافات خود بر ندارند، عبادت‌هایشان همچون نقش روی یخ در زیر آفتاب تیر ماه، خواهد بود.

پیامبر اعظم ﷺ و دیگر معصومین علیهم‌السلام چنین تأثیراتی را در حرام خواری می دیدند که به روش‌های گوناگون، مسلمانان را از آن باز داشته و به کسب روزی حلال،

۱. همان، ج ۸۱، ص ۲۵۸، ح ۵۶.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۹۷-۵۹۶.

۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۸.

تشویق و ترغیب می کردند.

سیره پیامبر مهربانی‌ها، در قبول کردن هدیه از مسلمانان بود،^۱ اما با این حال اگر کسی آن حضرت را به خوردن چیزی دعوت می کرد، تا از حلال و طیب بودنش آگاهی پیدا نمی کرد، لب به آن غذا نمی گذاشت و از آن پرهیز می نمود.^۲

و می فرمود: **إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءَ: تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ**^۳

عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن در طلب روزی حلال قرار داد.

به درستی که از این گفتارهای نورانی نباید تعجب کند، زیرا همان طور که بیان شد، روزی حلال زیر بنای تمام عبادت‌های ما قرار دارد، به همین دلیل اگر خدای ناکرده حرام و حرام خواری در زندگی راه پیدا کند، اندک اندک از عبادت‌ها و اطاعت‌ها کاسته می شود، تا جایی که دیگر تنها در مقابل درهم و دینار و دنیا تسلیم می شود و بس. البته این سقوطها و افولها به صورت نامحسوس اتفاق می افتد و زمانی شخص متوجه می شود که دیگر کار از کار گذشته و شاید بیچارگی اش در این راه و به خاطر استفاده مال حرام و شبه ناک به حدی برسد که شمشیر برهنه را در مقابل امام زمانش قرار دهد!

کوفیان حرام خوار

این‌ها خواب و خیال نیست، بلکه واقعیت زندگی مردان نامرد کوفه است، آن‌ها که به ظاهر اهل عبادت بودند اما کم کم سر از مخالفت و عصیان درآوردند. پسر فاطمه هنگامی که مخالفت شدید کوفیان از خدا بی خبر را دید، پس از آن که نصیحت را به

۱. همان، ج ۷۲، ص ۴۵، ح ۶.

۲. الدرر المنتور، ج ۶، ص ۱۰۲.

۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۷.

نهایت رساند و از بازگشت آن‌ها ناامید شد، کلامی فرمود که برای من و تو هم می تواند درس عبرت باشد.

آهای سینه زنان حسین فاطمه علیها السلام با شما هستم! با خودم هستم! مایی که با آمدن محرم رخت سیاه، زینت بدن‌هایمان می شود و از خانه دل گرفته تا اتاق و کوچه و خیابان و مسجد و حسینیه را سیاه پوش او می کنیم.

آهای بازاری‌ها و کارمندها! آهای نان آوران خانه! ما که تاسوعا و عاشورا دست از کار می کشیم و بر یزید و یزیدیان لعنت می فرستیم، گوش‌هایمان را باز کنیم و صدای غریب کربلا را بشنویم! او چه می گوید؟

سپاه کوفه! می دانید چرا با این که حسب و نسب را می شناسید، در مقابلم صف کشیده اید و بر من راه بسته اید؟ می دانید چرا شمایی که در ابتدا با نامه فدایت شوم‌ها و دعوت کردن‌ها، ما را به اینجا کشانده اید، اکنون کارت‌ان به جایی رسیده است که تیر و سنگ و نیزه به سویم پرتاب می کنید؟ می دانید چه آفتی به جانتان افتاده و خود غافل هستید؟

مگر شما در نامه‌هایتان نوشته بودید: باغ‌هایمان به میوه نشسته و فصل برداشت است، اما پا به آن نمی گذاریم تا تو با قدم‌های مبارکت، قدم در باغ ما بگذاری و مایه ی برکت آن شوی!^۱ اما اکنون می بینم که آن درخت‌ها را تیر و نیزه کرده اید و به جای میوه‌ها سنگ در دست گرفته اید و می خواهید از ما پذیرایی کنید، می دانید چرا؟ چون «فقد ملئت بطونکم من الحرام» «شکم‌هایتان از حرام پر شده است.»

وأحاطوا بالحسین من کلّ جانب حتّی جعلوه فی مثل الحلقة، فخرج علیه السلام حتّی

۱. همان، ج ۴۵، ص ۷.

أتی الناس، فاستنصتهم فأبوا أن ينصتوا حتى قال لهم: ويلكم! ما عليكم أن تنصتوا إليّ فتسمعوا قولي، وإنما أدعوكم إلى سبيل الرشاد، فمن أطاعني كان من المرشدين ومن عصاني كان من المهلكين، وكلّكم عاص لأمری، غیر مستمع قولي، فقد ملئت بطونكم من الحرام، وطبع علی قلوبكم، ويلكم! ألا تنصتون؟ ألا تسمعون؟^۱

هنگامی که ابن سعد اصحاب خود را برای کارزار با امام حسین علیه السلام آماده و هر کدام را به جای خود مرتب و منظم کرد و پرچم‌ها را در موضع خود جایگزین نمود و گروه میمنه و میسره لشکر را برقرار کرد به افرادی که در قلب لشکر بودند گفت: شما در جای خود ثابت باشید.

سپس آن مردم از خدا بی خبر از هر طرفی امام حسین علیه السلام را احاطه کردند و نظیر حلقه در اطراف آن حضرت گرد آمدند. امام حسین علیه السلام خارج شد و نزد آن گروه خونخوار آمد و از آنان خواست تا ساکت شوند، ولی ایشان ساکت نشدند کار به جائی رسید که امام فرمود: وای بر شما! چه مانعی دارد که ساکت شوید و سخن مرا گوش کنید؟

جز این نیست که من شما را به راه هدایت دعوت می کنم، کسی که از من اطاعت کند هدایت می شود و کسی که نافرمانی نماید کافر خواهد بود. شما عموماً امر مرا اطاعت نمی کنید، گوش به سخن من نمی دهید. زیرا شکم‌های شما از حرام پر شده و به قلب‌های شما مهر (قساوت) زده شده است، وای بر شما! آیا ساکت نمی شوید؟! آیا نمی شنوید؟

۱. همان، ص ۸.

این کلام پسر فاطمه در کربلا است، با این حساب آیا دیگر نماز و روزه و عبادت این قوم گمراه، که راه بر کاروان حسینی می بندند، قبول درگاه حق بوده و عبادت محسوب می شود؟!

این جریان به خوبی مفهوم کلام رسول الله ﷺ را روشن می کند که، نه قسمت از ده قسمت عبادت، در کسب حلال است.

۵- عذاب اخروی

النبي ﷺ: يا أبا ذر! حاسب نفسك قبل أن تحاسب، فإنه أهون لحسابك غدا! وزن نفسك قبل أن توزن وتجهّز للعرض الأكبر يوم تعرض لا تخفى على الله خافية - إلى أن قال - : يا أبا ذر! لا يكون الرجل من المتقين حتى يحاسب نفسه أشدّ من محاسبة الشريك من شريكه، فيعلم من أين مطعمه ومن أين مشربه ومن أين ملبسه، أمن حلال أو من حرام؟ يا أبا ذر! من لم يبال من أين اكتسب المال لم يبال الله من أين أدخله النار.

ای اباذر! پیش از آن که به حسابت رسیدگی شود به حساب خود برس، که این کار، حساب تو را در فردا آسان تر می نماید. و خود (و صفات و اعمال خود) را پیش از آن که سبک سنگین کنند و بسنجند، خود سبک سنگین کن و بسنج؛ و خوشتن را برای روز بزرگ آماده ساز، آن روز که تو را بر خدا عرضه می دارند و هیچ چیز بر او پوشیده نیست...

ای اباذر! آدمی از پرهیزگاران نخواهد بود مگر آن گاه که به حساب خود برسد سخت تر از آن که شریکی به حساب شریک خود می رسد؛ و بداند که خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی او از کجا فراهم می آید، از حلال است یا از حرام؟

ای اباذر! کسی که در بند دانستن آن نباشد که مال را از کجا به دست می‌آورد، خدا در بند آن نخواهد بود که او را از کجا وارد دوزخ کند.

با اندک تأملی در آن چه بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که اگر ما می‌خواهیم کارمان به چنین سقوط‌هایی کشیده نشود و حیات و مرگمان در مسیر ولایت باشد، باید نگاهی نو به زندگی‌ها و کسب و کارمان داشته باشیم و خوب، بد، حلال، حرام، تجارت و اقتصاد را از دیدگاه اسلام بازشناسی و سپس به آن عمل نماییم.

به همین خاطر و برای شناخت حلال و حرام است که امام علی علیه السلام در بازار شهر فریاد می‌کشید و می‌فرمود: ایها الناس الفقه ثم المتج^۱ ای مردم، اول فقه و شناخت احکام حلال و حرام، سپس خرید و فروش و تجارت»

۱. همان، ج ۱۰۰، ص ۱۱۷، ح ۱۶.